

مکنام



چون نزدیک رسیدند، عشق که سپهسالار بود، نیابت به حزن داد!

قصه های شیخ اشراق

جریده اطلاع رسانی هیئت امنا - اسفند ۹۲

۱- نشانی

محلہ شان را کہ پیدا کرد، از یک عابر سراغ کوچہ شان را گرفت...

-همین کوچہ است آقا!

نشانی خانہ شان را پرسید.

-جلوتر کہ بروید، دری است نیم سوخته...

۲- کیستی؟

در را کہ زدند زن هنوز داشت برای فوت پدرش گریہ می کرد. مرد بلند شد کہ برود و در را باز کند. زن گفت:

«احتمالا آمدہ اند بہ من تسلیت بگویند. خودم می روم در را باز می کنم.» و رفت. پشت در کہ رسید پرسید:

«کیستی؟» گفت: «در را باز کن؛ آمدہ ایم علی را برای بیعت ببریم...»

۳- روضہ اول

عاشقش بود و با تمام وجود او را گرفته بود تا مبادا او را ببرند، ... ناگهان دردی تمام وجودش را فراگرفت و نتوانست بیشتر از آن مانع آنها شود. مجبور شد امام را رها کند و آنها او را بردند... تازیانہ، بازویش را کبود کردہ بود.

۴- روضہ دوم

گفتند باید بیعت کنی ... از مسجد کہ بیرون آمد، با عجلہ دوید سمت منزل. گفتم: آقا چقدر عجلہ دارید!

گفت: سلمان! فاطمہ

۵- دلواپس

به خانه که رسید، نفس نفس می زد. انگار تمام راه را دویده بود. با عجله وارد شد و تا داخل خانه را سرآسیمه طی کرد. با دیدن همسرش دلش آتش گرفت، ایستاد، به آرامی جلو رفت و در کنار بسترش نشست، دست او را در دستهایش گرفت و پرسید: بانوی من! چرا گریه می کنی؟ جواب داد: شرمنده علی جان! کاری از دستم بر نیامد...

۶- مقهوره

داشتی خودت را به خاطر من به کشتن می دادی عزیزم! راستی حال «محسن» چطور است؟

۷- پیغام

کودک نفس نفس می زد: «بابا سلام... فضا گفت بیا» مرد از هوش رفت...

(منبع: بحار الانوار، جلد ۴۳، ص ۲۱۴-۲۱۵)

۸- امانتی

مانده بود چه بگوید. حرفی برای گفتن نداشت. از خجالت سرش را پایین انداخته بود و اشک می ریخت. چاره ای نبود... دو دستی امانتی را تحویل داد و گفت: «بیخشید! امانتدار خوبی نبودم؛ پهلویش شکست...»

۹- ...

به نجار گفت: می توانید دری برایم بسازید؟ نجار پرسید: برای چه؟ مرد پاسخ داد: برای در ورودی خانه ام. نجار پرسید: مگر در خانه ات چه شده؟ مرد گریست...

۱۰- مادر

به مدینه که رسیدیم یک روز سید گفت بیا برویم بیرون شهر. قبول کردم ... بیرون شهر که رسیدیم روی خاکها نشست و شروع کرد به خواندن فاتحه. با تعجب گفتم: اینجا که قبری نیست! گفت: کسی چه میداند. شاید قبر مادرم اینجا باشد...

۱۱- مادر

فاطمیه که شد، سید پارچه ای روی در مغازه اش زد که: به علت شهادت مادرم، مغازه تعطیل است...

به قلم محمد مبینی <http://mobini.blogfa.com>



فصل صلوات علیما و آلهم سلام

در دو عالم جلال ما زهرا است
رمز تغییر حال ما زهرا است
عید با فاطمیه می آید
ذکر تحویل سال ما زهرا است



خبرنامه

مهمترین خبر ، این ویژه نامه که هنوز هم در دست تکمیل است برگزاری اردوی جنوب می باشد . همانطور که در شماره قبل هم ذکر شد ، عدم همکاری بسیج دانشگاه و ناحیه مهمترین مشکل پیش پای این سفر بود که نهایتا به مشکل بزرگتری که افزایش هزینه سفر بود منجر شد . تقریبا تا پایان اسفند اردو تا پای برگزاری هم رفته ولی به انجام نرسید.

حدود یک ماه قبل، هم از طریق خبرنامه و هم از طریق پیامک ، دوستان در جریان برگزاری اردوی راهیان نور به صورت خانوادگی قرار گرفتند و برای دو تاریخ قبل از عید و اواسط آن با ذکر هزینه تقریبی نظر سنجی به عمل آمد . که از تعداد ۹۲ پیامک ارسالی ، تنها ۳۳ نفر به آن پاسخ دادند که از این تعداد ۱۲ نفر به قبل از تعطیلات و ۷ نفر هم به برگزاری اردو در طول تعطیلات عید رای دادند . در این میان امکان ارسال پیامک به دلیل غیر فعال کردن دریافت پیام های تبلیغاتی برای ۱۸ نفر از دوستان هم میسر نشد که البته از طریق ای میل هم پاسخی برای ما ارسال نکردند .

حالا که صحبت از نظرسنجی شد ، بهتر است نتایج نظرسنجی پیرامون اسم مجمع و خبرنامه را به اطلاع شما برسانیم .

یاران ماندگار با کسب بیشترین آرا از سوی شرکت کنندگان در نظرسنجی به عنوان نام مجمع انتخاب شد و نام جریده اطلاع رسانی هم تنها با اختلاف یک رای **گمنام** باقی ماند .

صرفا جهت عذرخواهی !

متاسفانه انتشار خبرنامه ، به رسم تعطیلی انتشار روزنامه ها و جراید در ایام تعطیل در کشورمان و حتی تعطیلی برخی بخش های خبری مثل ۲۰:۳۰ با وقفه در انتشار مواجه شد و این جریده که قرار بود پیش از تعطیلات نوروز ، حضور شما **یاران ماندگار** ارسال شود ، امروز به دستتان می رسد . بدین وسیله مراتب عذرخواهی خود را خدمت شما اعلام می کنم . امید که قبول افتد و در نظر آید !

میرزابنویس

زائرین صفا!

اردو جنوب رفتن همیشه مشکلات خودش را دارد ، یک روز درگیر کسب اجازه از پدر و مادری و یک روز دیگر درگیر کارهای پایان سال شغلی و خانوادگی و ... بنا را که بر طلب بگذاری ، داستان طوری دیگری می شود . از یک سو طلب است و از دیگر سو طلبیدن !

زیارت کربلاهای ایران هر چه که باشد ، انقدر در دل و جان ما نشسته که از اسفند و شاید قبل از آن خود به خود ، دلمان هوایی می شود و مطلع خبرنگار شماره دو گویای همین است .

علی ایحال ؛ دیدیم حالا که دلمان این فاصله ها را تاب نمی آورد ، بر اساس این قاعده که زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهدا کمتر از خود شهادت نیست ، زنده نگه داشتن یاد و خاطره راهیان نور را هم کمتر از این سفر نورانی ندانیم و آستینی بالا بزنیم و در آستانه سال نو دلتنگی هم قطاران را غبار رویی کنیم .

برای حضور در این یادنامه ، کافی است ، به وبلاگ زائرصفا سر بزنید و ضمن دیدن عکس هایی از اردوهای سال های پیش در ستون « پنجره » ، با پاسخ دادن به سوال زیر در « مصاحبه گروهی » شرکت کنید :

لینک مصاحبه گروهی : <http://zaersafa.blogfa.com/post/559>

لینک پنجره : <http://zaersafa.blogfa.com/post/558>

از بین سالهایی که اردو جنوب رفته اید و مناطقی که زیارت کرده اید و یا جلساتی که شرکت کرده اید و یا از محضر مدعوی فیض برده اید و ... اگر این فرصت را داشته باشید که به آن زمان و مکان خاص بروید ، چه لحظه ای است ؟ در مورد آن چند سطر برای ما و سایر خوانندگان بنویسید.

*وبلاگ زائرصفا ، یکی از وبلاگ های جمعی بچه های بسیج است و بهترین فضا برای جمع شدن در فضای مجازی ، در حال و هوای جنوب و فاطمیه . انشالله تا شماره بعدی قول ما مبنی بر راه اندازی فضای مجازی مناسب ، برای حضور و عضویت همه عزیزان ، عملی می شود و از سطح فعالیت وبلاگی قدمی فراتر می گذاریم .

Zaersafa.blogfa.com

*برای دید و باز دید ایام نوروز هم می توانید به منزل و ماوای مجازی دوستان سر بزنید . بدین منظور می توانید به لینکدونی زائر صفا با عنوان « بچه محل ها » در صفحه اصلی مراجعه کنید اگر شما هم نشانی دارید ، در پاسخ به همین رایانامه ، آدرستان را ارسال کنید تا با سایر دوستان به اشتراک گذاشته شود .

یاران ماندگار !

لطفا بعد از مطالعه خبرنامه ، با ارسال کلمه **سلام** در پاسخ به همین رایانامه ، ما را از دریافت و مطالعه گمنام باخبر کنید . در صورتیکه مایل به دریافت شماره های پیشین هستید و موفق به دریافت آن نشده اید کافی است به ما اطلاع دهید . در آغاز سال نو ، ضمن آرزوی موفقیت و بهروزی برای شما ، صمیمانه پذیرای انتقادات و پیشنهادات شما پیرامون این جریده اطلاع رسانی هستیم .

وزمین پاک برون آید نبات او به فرمان خدایش

و آن که پلید باشد برون نیاید مگر اندک.

اعراف / ۵۸

یعنی آن مومن که دل رقیق دارد و به نظر و تفکر و آداب عبودیت متادب شده ، چون وعظی از مواعظ رسول بشنود در دل او ثبات کند و بیخ زند و شاخ کشد، چون نبات در زمین پاک .
و آنکه به تفکر مرده شده اگر چه بسیاری مواعظ بر او خوانند، هیچ اثر نکند ، چنان که باران بر زمین شوره، نبات نیارد .

تفسیر روض الجنان و روح الجنان / ابوالفتوح رازی / جلد هشتم